

تأملی در «عنوان مقاله» و پیشنهادهایی درباره آن

محمدعلی حمیدرفیعی

بر پیشانی هر مقاله يك یا چند واژه نقش بسته است که نام یا عنوان مقاله خوانده می‌شود. عنوان بستری است که مقاله بر آن جاری می‌شود، پیچ و خمهایش را می‌سپرد و به انجام می‌رسد. عنوان نامناسب، رود جاری مقاله را به جویبارهای پراکنده‌ای بدل می‌کند که به هرز می‌روند. دوست نکته‌سنجی عنوان مقاله را به قافیه در غزل تشبیه می‌کرد و ناگفته پیداست که هر غزلی قافیه خاص خود را می‌طلبد.

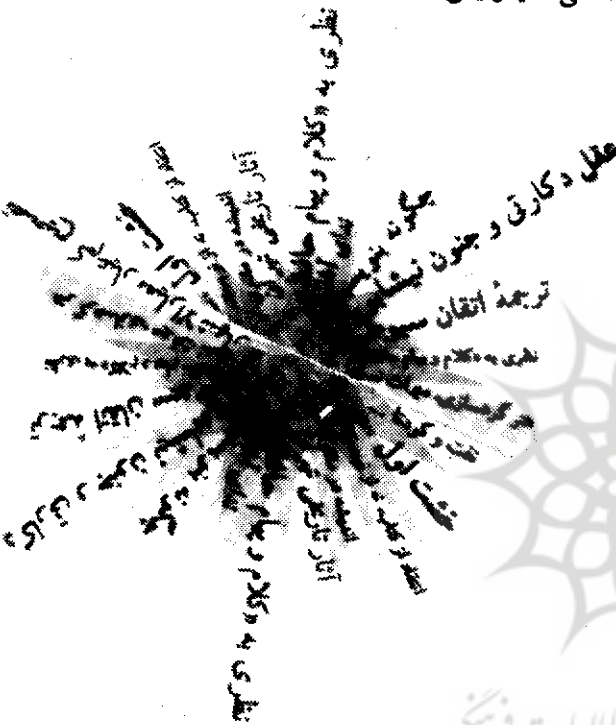
یادآوری اهمیت عنوان در مقاله سخن تازه‌ای نیست. در گذشته عنوان را از رئوس ثمانیه می‌شمرده‌اند و به آن ارزشی همسنگ موضوع و فایده می‌داده‌اند. امروز که نویسندگان ما با دقتی افزونتر از گذشته - گذشته نه چندان دور - قلم را بر صفحه کاغذ می‌چرخانند و بیش از گذشته در اندیشه نقد «خاص» اند، ناگزیر به عنوان نوشته خود هم بیشتر توجه می‌کنند. از همین روی است که تأملی تازه در عنوان مقاله ضروری جلوه می‌کند.

آیا عنوان باید بیانگر محتوای مقاله باشد یا وظیفه آن تنها جلب توجه بیننده است؟ عنوان را آیا باید صریح و سراسر نوشت یا به کنایه و راز و رمز؟ عنوان يك مقاله تا چه حد می‌تواند کلی باشد؟ تفننهای زبانی را آیا می‌توان به عنوان مقاله راه داد؟ ...

نگارنده به هیچ روی مدعی پاسخ گفتن به این پرسشها نیست بلکه تنها با تأمل بر عنوانهای مقالات چند شماره نشر دانش کوشیده است گزارش ساده‌ای از چگونگی آنها به دست دهد و نکاتی را - به امید جلب نظر مطلعان به این جنبه مهم از امر نگارش - فهرست وار ارائه کند. به بیان دیگر، طرح این مسئله تنها به امید آن صورت می‌گیرد که صاحب نظران تجربه‌های خود را در مورد انتخاب عنوان در دسترس دیگران قرار دهند.

حاصل این تأمل طبقه‌بندی ساده‌ای است از عنوانهای یادشده با پیشنهادهایی درباره هر يك. صد و ده عنوان از هشت شماره نشر دانش - بدون ترتیب خاصی در انتخاب - مورد بررسی قرار گرفته و نتایج زیر به دست آمده است:

(۱) همخوانی میان عنوان و محتوای مقاله. خواننده انتظار دارد



که عنوان معلوم کند مقاله درباره چیست. این کیفیت به او حق می‌دهد که مقاله را بخواند یا نخواند. از طرف دیگر اگر عنوان موضوع و محتوای مقاله را روشن کند. کار طبقه‌بندی موضوعی مقالات آسانتر خواهد شد. چه بسا با دقت در این مورد عنوانی از مجموعه «درباره ویرایش» به مجموعه «درباره ترجمه» نقل مکان کند. از عناوین موفق در همخوانی یا محتویات مقاله این‌ها را می‌توان نام برد:

□ انتقاد از کتاب، نه از نویسنده / نصرالله پورجوادی (۴-۲) کاملاً روشن می‌کند که مقاله درباره ضوابط نقد است و

حاشیه:

(۱) سه شماره‌ای را که در میان دو کمان می‌بینید از راست به چپ نشان‌دهنده سال انتشار، شماره ردیف و صفحه است. مثلاً (۴-۲-۲) به نشر دانش، سال چهارم، شماره چهارم، صفحه دو اشاره دارد.

چون سردبیر آن را نوشته پس احتمالاً به توضیح درباره ضوابط نشر/دانش برای نقد کتاب پرداخته است.

□ گرایشهای گوناگون در واژه‌گزینی / علی کافی (۱۴-۱۵) به دقت معلوم می‌کند مقاله درباره چیست.

□ نکاتی در ترجمه برخی مفاهیم فلسفه هگل / دکتر سیدجواد طباطبایی (۱۶-۴-۵) در نقد کتاب در شناخت اندیشه هگل، نشان‌دهنده آن است که نگارنده مقاله به موضوع ترجمه این اثر و کاستیها یا امتیازات آن پرداخته است.

این عنوانها هم در همین طبقه‌بندی قرار می‌گیرند: کتاب در هشتاد سال پیش / حسین معصومی همدانی (۵-۴-۴)، کتابشناسی ترجمه / دکتر جلال پسخنور (۵۶-۳-۷)، نظر جرجانی در باب صور خیال / شفیمی کدکنی (۵۴-۳-۳).

مطالعه عنوانهای چاپ شده در هشت شماره نشر/دانش نشان می‌دهد که عناوین بسیاری از این مقالات بدون توجه به این اصل مهم انتخاب شده‌اند:

□ چگونه بنویسیم^۲ / محمدعلی حمیدرفیعی (۴۸-۴-۸) این گمان را برمی‌انگیزد که مقاله از دیدگاه «تجویزی» پیشنهادهایی ارائه کرده است در صورتی که محتوای مقاله با عنوان نه تنها همخوانی ندارد بلکه از نظرگاه «توصیفی» به نقد محتوایی و روشی کتاب غلط نویسیم پرداخته است.

□ کتابی مفید و پرارزش / علی اصغر فیاض (۵۱-۴-۸) در نقد کتاب غلط نویسیم عنوانی مغالطه‌آمیز و شبهه‌انگیز است. محتوای مقاله - به جز یک مورد تکرار خام کلمه پرارزش - هیچ نشانی از مفید بودن و پرارزش بودن کتاب غلط نویسیم ندارد و بیشتر به مقایسه این کتاب با شیوه نگارش اثر خود آقای فیاض پرداخته است. اضافه کردن علامت تعجب (!) در پایان این عنوان می‌توانست همخوانی لازم با محتویات مقاله را تأمین کند.

۲) صراحت، روشنی و استقلال عنوان، در مقالاتی که جنبه اطلاع‌دهندگی دارند. مقصود از استقلال عنوان آن است که خواننده بدون سابقه ذهنی - و بی آنکه لزوماً شماره‌های سابق مجله را خوانده باشد - بفهمد مقاله درباره چیست:

□ نظری به «کلام و پیام حافظ» / حسینعلی هروی (۲۳-۱-۵) علیرغم استفاده از گیومه در عنوان، این پندار را برمی‌انگیزد که مقاله، نقد کلامی و محتوایی دیوان خواجه است در صورتی که محتوای مقاله، نقدی است بر «کلام و پیام حافظ» نوشته احمد سمیعی. اضافه کردن یک عنوان فرعی در توضیح این مطلب می‌توانست مشکل را حل کند.

□ آماده‌سازی فنی دستنویس؛ گامی اساسی در تولید کتاب / محمد سیداخلاقی (۴۶-۴-۵) عنوانی است که علاوه بر

انتقاد از
اندیشه
آثار تاریخی
چگونه بنویسیم
عقل دکارتی و جنون انتقان

همخوانی با متن مقاله اهمیت موضوع را هم به روشنی و صراحت بیان کرده است.

□ هنرگره‌سازی؛ میراث نسلا / حبیب معروف (۳۰-۳-۷) در نقد کتاب گره‌چینی در معماری اسلامی و هنرهای دستی، علاوه بر خاصیت اطلاع‌دهندگی به پیشینه این هنر و جایگاه آن هم اشاره دارد.

۳) رهیز از عنوانهای کلی - که مقاله بار انتقال مفهوم آن را نمی‌تواند به دوش بکشد:

□ اندیشه در مثنوی / علی اکبر کسمایی (۱۸-۳-۷) پیشاپیش معلوم می‌دارد که در مقاله‌ای با این حجم نمی‌توان به این مهم پرداخت.

عنوانهای شعاروار و تعارف‌آمیز نیز از همین گروهند. مثلاً، □ عجز همه جانبه در برابر انقلاب اسلامی ایران / ناصر ایرانی (۵۰-۳-۷).

□ هدیه‌ای نفیس در آغاز سال نو / میراحمد طباطبایی (۴۳-۴-۸) در نقد کتاب غلط نویسیم به جز چند جمله تعارف‌آمیز با محتویات مقاله بی‌ارتباط است.

عنوان کلی، سنگ بزرگی است علامت نزدن و هیچ دلیلی

کتاب قرار گرفته است:

نمونه‌های خوب دیگر:

- آشنای غریب / دکتر مهدی نوریان (۲۰-۳-۷) در نقد کتاب مخزن الاسرار نظامی؛ تصحیح دکتر بهروز ثروتیان.
- راهی میانبر به ریاضیات جدید / عبدالله سالک (۳۰-۴-۵) در نقد کتاب مفاهیم ریاضیات جدید؛ یان استیوارت.
- پس از زمستانی چنین طولانی و سخت / ناصر ایرانی (۳۷-۴-۸) در نقد کتاب پراسترویکا؛ میخائیل گورباچف.
- ندای آغاز / دکتر صالح حسینی (۳۲-۴-۸) در نقد کتاب شیوه‌های نقد ادبی؛ دیچز.
- تکاپوی جهان صنعتی / مرتضی اسعدی (۲۳-۱-۴) در نقد کتاب تکاپوی جهانی؛ ژان ژاک سروان شرایبر.

*

حاصل تأمل در عنوانهای مقالات را می‌توان چنین خلاصه کرد:

- ۱) تناسب میان عنوان و محتوای مقاله، شرط اصلی انتخاب عنوان است. عنوانی که به موضوع مقاله مربوط نباشد اسباب گمراهی است.
- ۲) شایسته است عنوان روشن، صریح و مستقل باشد. دو ویژگی اول، خاص مقالاتی است که جنبه اطلاع‌دهندگی دارند و استقلال، شرط مهم انتخاب هر عنوان برای هر نوع مقاله‌ای است.
- ۳) از عنوانهای کلی - فراتر از محتوای مقاله - بهتر است پرهیز کنیم. استفاده از این عنوانها جز بی اعتبار کردن مقاله هیچ اثری ندارد.
- ۴) پیروی از الگوهای ساختی، معنایی و املائی زبان معیار در عنوان مقاله را بهتر است همواره مورد توجه قرار دهیم.
- ۵) در عنوان نقد باید از آوردن واژه‌هایی که داوری نهایی نویسنده را معلوم می‌کنند پرهیز کرد. استفاده از این عنوانها معمولاً نشانه‌ای از کینه‌توزی یا مهرورزی به کتاب نقد شده است و دست کم با «اخلاق نقد» تباین دارد.
- ۶) عنوان کتاب می‌تواند متضمن نظرگاه نویسنده نقد درباره محتوای کتاب باشد به شرط آنکه وضوح و اختصار در آن رعایت و از صدور حکمهای ارزشی جزمی و مطلق در آن پرهیز شده باشد.
- ۷) عنوان نقد بهتر است حتماً چیزی بیشتر و فراتر از عنوان کتاب باشد و دست کم باید معلوم کند که نقد از چه نظرگاهی نوشته شده است. به عبارت دیگر خواننده با دیدن عنوان باید بتواند دریابد که نقد از چه زاویه‌ای (روشی، محتوایی، زبانی یا...) صورت گرفته است.

- آثار تاریخی تهران / حبیب معروف (۲۴-۱-۴) در نقد کتاب آثار تاریخی تهران؛ سید محمد مصطفوی.
- تأملی در مصائب حلاج / دکتر بهروز تقی‌خانی (۲۲-۱-۴) در نقد کتاب مصائب حلاج؛ لویی ماسینیون.
- ترجمه اتقان سیوطی / هاتف (۴۹-۱-۵) در نقد کتاب ترجمه الاتقان فی علوم القرآن؛ جلال‌الدین عبدالرحمن سیوطی.
- سفرنامه حاج سیاح / مرتضی اسعدی (۵۱-۱-۵) در نقد کتاب سفرنامه حاج سیاح.
- نگاهی به تاریخ ادبیات زبان عربی / علی رضا ذکاوتی قراگزلو (۱۴-۱-۴) در نقد کتاب تاریخ ادبیات زبان عربی؛ حنا الفاخوری.

□ نقدی بر تجربه‌ای ایرانی در خدمات اولیه بهداشتی / دکتر کیومرث نصری (۷۸-۳-۳) در نقد کتاب *An Iranian Experiment in Primary Health Care* ...

این «نقد» یا «نظر» یا «نگاه» چگونه نگاه و نظر و نقدی است؟ نقدی بر محتوای کتاب است یا نگاهی به زبان آن یا نظری به ترجمه کتاب؟ از کجا معلوم است که نقدی روشی یا تاریخی نباشد؟ نقد کتاب «الفاخوری» اگر از دیدگاه روش‌شناختی انجام گرفته باشد چه بسا برای خواننده‌ای بسیار جالب و مفید باشد اما همین کتاب اگر از نظر محتوایی نقد شود علاقه‌آورا برنیا نگیزد. شایسته است عنوان نقد، دست کم نشان دهد که نویسنده، آن کتاب را از چه زاویه‌ای نگاه کرده است.

● (د) خلاقیت و ابتکار در عنوان مقاله:

□ عقل دکارتی و جنون نیشابوری / نصرالله پورجوادی (۲-۳-۷) از بهترین نمونه‌های عناوین مبتکرانه است. دوباره بودن این عنوان، نشانگر مقایسه میان دو جهان بینی است. واژه‌های «عقل» و «جنون» در برابر یکدیگر نشان می‌دهند که در دو کفه ترازوی این مقایسه چه گذاشته شده است. «نیشابوری» به ابوالقاسم حسن نیشابوری اشاره دارد. ذوقی که نویسنده در اضافه کردن «بای» نسبت به اسم دکارت به کار برده توازنی آهنگین را در عنوان باعث شده است (در غیر این صورت، عنوان به «عقل دکارت و جنون نیشابوری» بدل می‌شد). از نظر همخوانی با متن، عنوان به «خردباوری» دکارت و «خردگریزی» نیشابوری اشاره‌ای صریح، روشن و موجز دارد.

□ خشت اول... / حبیب معروف (۲۸-۴-۵) در نقد قاموس، دفتر نخست، از عنوانهای نکته‌پردازانه در عنوان نقد است. «خشت اول...» از سوی به انتشار دفتر نخست از قاموس اشاره دارد و از سوی دیگر به بیت معروف خاص و عام نظر می‌کند. معنای دوم را سه نقطه پایانی عبارت به ذهن متبادر می‌کند.